

## بررسی رقم سیاه جرم در منطقه ده تهران

محمد شیرانی<sup>۱\*</sup>، علی مسعود کیانی<sup>۲</sup>

۱. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران  
۲. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، شهرکرد، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۱۰/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۵/۰۳)

### چکیده

این مقاله با هدف بررسی علل به وجودآورنده آمار سیاه جنایی، حاصل پژوهش پیمایشی محدود با به کارگیری ابزار پرسشنامه محقق ساخته است که میان ۳۰۹ نفر از شهروندان ۱۸ تا ۵۰ سال منطقه ده شهر تهران، که یا خود مستقیم بزه دیده بودند یا بستگان درجه یک آن‌ها مورد بزه واقع شده بودند و مصاحبه شونده‌ها، شرح مواقع را از زبان آنان شنیده یا در طول فرایند دادرسی، همراه ایشان بوده‌اند، انجام گرفت. نتایج تحقیق حاضر نشان داد، نسبت به سال ۱۳۷۴، رشدی ۲۵ درصدی در شیوع بزه‌دیدگی اتفاق افتاده است و ۶۵/۵۸ درصد بزه‌دیدگان، هیچگاه قربانی شدن خویش را به مراجع مسئول گزارش نکرده‌اند. این امر نشان‌دهنده رشد ۲۰۰ درصدی در مقایسه با سال ۱۳۷۴ است. سرقت، با بیش از ۳۰ درصد فراوانی، شایع‌ترین جرمی است که جامعه آماری با آن مواجه بودند، و توهین در معابر و کلابرداری، در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. همچنین، مهم‌ترین دلایل گزارش نکردن جرائم توسط بزه‌دیدگان به مراجع قضایی و انتظامی، بی‌اعتمادی به این مراجع، آگاهی از فرایند طولانی دادرسی و حفظ آبرو و شخصیت قربانیان بیان شده است. ۶۵/۷ درصد کسانی که جرائم قبلی را به اطلاع پلیس و مراجع قضایی رسانده‌اند، معتقدند اگر از ابتدا از این فرایند طولانی و طاقت‌فرسا اطلاع داشتند، اصلاً شکایت خود را مطرح نمی‌کردند. بیش از ۹۰ درصد قربانیان، معتقد بودند پلیس نمی‌خواهد با جرائم مقابله کند و کمتر از ۱۰ درصد نیز به ناتوانی پلیس در مقابله با جرائم معتقد بودند. ترسناک‌ترین جرمی که افراد از آن هراس داشتند، جرم جنسی با ۴۱/۱۷ درصد فراوانی و آدم‌ربایی با ۲۸/۲۳ درصد فراوانی بود.

### کلیدواژگان

آمار جنایی، بزه‌دیدگی پنهان، رقم سیاه جنایی، گزارش جرم.

\* نویسنده مسئول، رایانامه: m\_shirani@sbu.ac.ir

## مقدمه

در سال‌های اخیر، به نظر می‌رسد پدیده گزارش‌نکردن بزه‌دیدگی به مقامات مسئول، شدت بیشتری یافته و در حال گسترش است. این پدیده چنان آرام و خاموش در حال وقوع است که اصلاً توجهی به آن نمی‌کنیم، سهل از کنار آن می‌گذریم و بی‌خبریم که گویا نمی‌دانیم نتیجه گسترش گزارش‌نکردن بزهکاری به مراجع قانونی، بنیان عدالت و نظم اجتماعی را ویران خواهد کرد.

با شکل‌گیری دیدگاه واقع‌گرای چپ در مقابل جرم‌شناسی راست جدید و مارکسیستی (ژرار و فیلیزولا<sup>۱</sup>، ۱۳۹۲، ص ۷۴)، از توجه صرف به بزهکار که حاصل سیاست‌های «نظم و قانون» دیدگاه راست بود، کاسته شد و مفهومی به نام «چهارضلعی جرم»<sup>۲</sup> پدید آمد. این چهارضلعی شامل بزهکار، بزه‌دیده، جامعه و دولت است و برای اولین بار، بزه‌دیده نیز در تحلیل‌های جرم‌شناختی وارد شد (وایت و هینز<sup>۳</sup>، ۱۳۸۹، ص ۸۷). از این برهه به بعد، کم‌کم، مجنی‌علیه که در دیدگاه دست‌اندرکاران اداری، صرفاً یک شاهد برای پرونده مطروحه در دادگاه و برای محققان، صرفاً منبعی اطلاعاتی درباره مجرم بود، جای خود را به عنصری داد که به دلیل اهمیت روابط اساسی آن با جرم و مجرم، مطالعه شد (ویلیامز<sup>۴</sup>، ۱۳۸۲، ص ۴۵). به دلیل همین نگاه خاص، پیمایش‌های بزه‌دیده‌شناسی برای تولید ابزاری تحلیلی انجام گرفت. در این روش، از افراد ساکن در محلات مختلف، درباره موارد بزه‌دیدگی و اقداماتی که مایلند درباره آن انجام گیرد، پرسش شد. در سطح ملی نیز اولین بار در سال ۱۹۶۷، بنابر توصیه رئیس جمهور آمریکا پیرامون اجرای قانون وزارت دادگستری، این نوع پیمایش به کار گرفته شد (ابرنآبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۶۳). به کارگیری این نوع کسب آمار و اطلاعات اهمیتی یافت که سازمان ملل متحد در بند ز پاراگراف یازده رساله رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم، که مبنای عمل بسیاری از کشورهاست، یکی از رهنمودهای

---

1. Lopez & Filizzola  
 2. Square of crime  
 3. White & Haines  
 4. Williams

خود را به ایجاد سیستم جمع‌آوری داده، با هدف کاستن از هزینه‌های اجرای برنامه‌های پیشگیری، با کمک روش‌های منظم پیمایش بزهکاری و بزه‌دیدگی اختصاص داده است (جوان‌جعفری و سیدزاده‌ثانی، ۱۳۹۱، ص ۱۲۳). پیمایش‌های بزه‌دیدگی به‌طور نظام‌مند و حرفه‌ای در مملکت‌های دیگر به‌کار گرفته می‌شود. در همین راستا، دفتر مبارزه با مواد مخدر و جرائم سازمان‌یافته سازمان ملل متحد، با استاندارد کردن پرسشنامه بین‌المللی پیمایش بزه‌دیدگی، امکانی را فراهم کرد تا بتوان آمار کشورهای مختلف را با هم مقایسه کرد (جوان‌جعفری و سیدزاده‌ثانی، ۱۳۹۱، ص ۱۹۷). در ایران هنوز هیچ تحقیق رسمی جامعی توسط دولت یا نهادهای قوه قضاییه در این زمینه انجام نگرفته است. این امر در دو عامل ریشه دارد، یا در این زمینه پیمایش انجام گرفته، اما گزارش آن به‌دلیل ملاحظات اجتماعی و سیاسی منتشر نشده است، یا هنوز بحث‌های دانشگاهی بزه‌دیدگی و جرم‌شناسی، برای متولیان آن ناشناخته است و به‌طور کلی، از این مقوله مهم بی‌خبرند. «این بی‌خبری حیرت‌انگیز است زمانی که کسی توجه نماید که در صورت عدم همکاری زیان‌دیدگان از جرم، نظام عدالت جزائی فرو خواهد پاشید. برخی از بزه‌دیدگان متوجه شده‌اند که رفتار دست‌اندرکاران نظام عدالت جزایی، وکلا، پلیس، کارمندان و . . . با آن‌ها بسیار ناراحت‌کننده، تحقیرآمیز، و بی‌توجه به نیازها و منافع آن‌هاست. گاهی اوقات آنان نحوه عمل سیستم را به‌عنوان دومین بزه‌دیدگی خود تلقی می‌نمایند که می‌تواند بدتر از جرم اصلی آن‌ها را ناراحت سازد. ممکن است در چنین شرایطی آنان از سیستم قضایی دلزده شوند و تصمیم به عدم گزارش یا عدم همکاری در آینده بگیرند» (ویلیامز، ۱۳۸۲، ص ۲۹۵).

این مقاله به‌دنبال پاسخ به این پرسش مهم است که چه علل یا عواملی باعث می‌شود فردی که قربانی یک پدیده مجرمانه شده است، نه فقط جبران خسارت‌های مادی خود را خواستار نشود، بلکه از حق خود و جامعه برای مجازات بزهکار نیز چشم‌پوشی کند.

### پیشینه تحقیق

در موضوع این پژوهش فقط یک تحقیق توسط نجفی ابرندآبادی و توجهی (۱۳۷۴) انجام گرفته است. مقاله حاضر سعی در بررسی نسبت‌های میان تحقیق ۲۰ سال قبل و تحقیق حاضر داشته

است و بررسی خواهد کرد که پارامترهای تحقیق، از آن زمان تا امروز چه کاهش یا افزایشی را نشان می‌دهد.

### مزایای به‌کارگیری آمار جنایی و تحقیقات بزه‌دیده‌شناسی

با توجه به وجود رقم‌های سیاه و خاکستری در آمار جنایی، تحقیقات جرم‌شناسی بر اساس آمار، هیچ‌گاه دقیق و کامل نیست (اردبیلی، ۱۳۸۳)، و آمار جنایی، تصویری از بزهکاری واقعی به ما نمی‌دهد، بلکه تصویری را نشان می‌دهد که تهیه‌کنندگان آن، موفق به اخذ آن شده‌اند (کی‌نیا، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۷۲). ضمن آنکه نگاه سیاست جنایی به جرم، تأثیر بسزایی در کیفیت و کمیت آمار جنایی دارد. بسته به اینکه نگاه سیستم، مجازات‌محور یا درمان‌گر و اصلاح‌گرایانه باشد، انواع مختلفی از اطلاعات جمع‌آوری می‌شود. در آماري که در قوه قضائیه ایران تولید می‌شود، ۵ درصد تفاوت بین اعداد وجود دارد و تاکنون راهی برای حذف آن یافت نشده است (شهریاری، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

به‌کارگیری آمار در سیاست جنایی، از اعمال تدابیر شخصی، سلیقه‌زدگی، اتخاذ تدابیر سطحی و مقطعی جلوگیری می‌کند و با اتخاذ رویکردی واقع‌گرایانه، خط‌مشی‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را در دستور کار مسئولان قرار می‌دهد (ذوالقدر، ۱۳۹۱ الف، ص ۱۳۷). پیش‌نیاز این امر، کسب آمار صحیح است. برای دسترسی به سطح قابل قبولی از آمار جنایی، می‌توان داده‌های کمی مثل پیمایش‌های بزه‌دیده‌شناسی، پیمایش‌های خوداعلامی، آمار جراحی بیمارستان‌ها، آمار مددکاران اجتماعی و نیز، اطلاعات کیفی مثل مصاحبه با دست‌اندرکاران مهم و گروه‌های مؤثر را به‌کار گرفت (ناجا، ۱۳۹۱، ص ۱۹۸). پیمایش‌های بزهکاری و بزه‌دیدگی، به‌دلیل آنکه تبعات پلیسی به دنبال ندارد، می‌تواند راهگشای به‌دست‌آوردن آمار سیاه، به‌ویژه آمار جرائم جنسی، سرقت و جرائمی که بزه‌دیده از اعلام آن اکراه دارد، باشد (معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، ۱۳۹۱، ص ۱۸۴). همچنین، گزارش جرائم واقع‌شده به پلیس یا مقام قضایی از طرف شهروندان، می‌تواند یکی از ابزارهای مفید برای کم‌کردن فاصله موجود بین بزهکاری واقعی با بزهکاری قانونی و در واقع، کاهش حجم رقم سیاه جرائم باشد (رحمدل، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲).

## جایگاه آمار جنایی در ایران

منابع تولید آمار جنایی در ایران، علاوه بر مراجع رسمی، مراجع علمی نیز هستند که با پیمایش‌های اجتماعی و روش‌های علمی دانش آمار، می‌کوشند اطلاعات دقیقی به‌دست دهند (ذوالقدر و جلالی فراهانی، ۱۳۹۲، ص ۶). هر چند مراجع علمی شاید کارایی چندانی در زمینه استخراج آمار قابل استفاده نداشته باشند. اهمیت به‌کارگیری آمار جنایی در بازتاب سیمای جنایی کشور در سال‌های اخیر مد نظر ارکان قوه قضاییه قرار گرفته است. اولین همایش ملی آمار جنایی در دی‌ماه ۱۳۹۰ در ایران برگزار شد که نشان‌دهنده نوظهور بودن این مبحث در دیدگاه دست‌اندرکاران آن است. در این همایش بیان شد: «تدابیر اخذشده جهت پیشگیری از جرائم توسط دستگاه‌های اجرایی، گاه‌ها دارای تداخل اساسی است. راهکار رفع این چالش، ایجاد همگرایی و هم‌افزایی میان همه دستگاه‌های اجرایی در رسیدن به نگاه مشترکی راجع به مفهوم و مصادیق پدیده‌های جنایی است. پیش‌نیاز این امر، گردآوری، پردازش و تحلیل و ارزیابی هماهنگ و نه لزوماً یکسان اطلاعات راجع به این پدیده‌هاست، که در یک نگاه کلان، از آن‌ها به آمار جنایی تعبیر می‌شود و چنانچه به نقطه مطلوب برسد، سیمای جنایی کشور را به نمایش می‌گذارد» (آملی لاریجانی، ۱۳۹۱، ص ۴).

در سال ۱۳۸۸ قوه قضاییه نرم‌افزار سامانه مدیریت پرونده (سمپ یا CMS) را طراحی کرد تا کل زیرمجموعه قضایی کشور به‌طور برخط به این سامانه متصل شوند و به سمت سیستم بدون کاغذ در رسیدگی‌ها تغییر جهت دهند. پس از آن نیز، سامانه جامع آمار (سجا) طراحی شد که دوقلوی سامانه سمپ تلقی می‌شود.

در سامانه سمپ، اطلاعات مربوط به پرونده، مانند خواسته یا اتهام، اشخاص دخیل در پرونده، نوع و زمان ابلاغ، لوایح وارده و استعلام‌های صادره، روند جاری یا مختومه‌شدن پرونده، متن تصمیم نهایی، وضعیت تجدیدنظرخواهی و جز آن ثبت می‌شود. این اطلاعات در نهایت، توسط سامانه سجا استخراج و در دسترس مدیران قضایی و نظام حاکمیتی قرار می‌گیرد تا این اطلاعات در تصمیم‌سازی‌های کلان به‌کار گرفته شود (شهریاری، ۱۳۹۱، ص ۱۰).

سامانه سجا سطح دسترسی‌های متفاوت دارد، از کارمندان دفاتر شعب تا مدیران رده‌بالای قوه

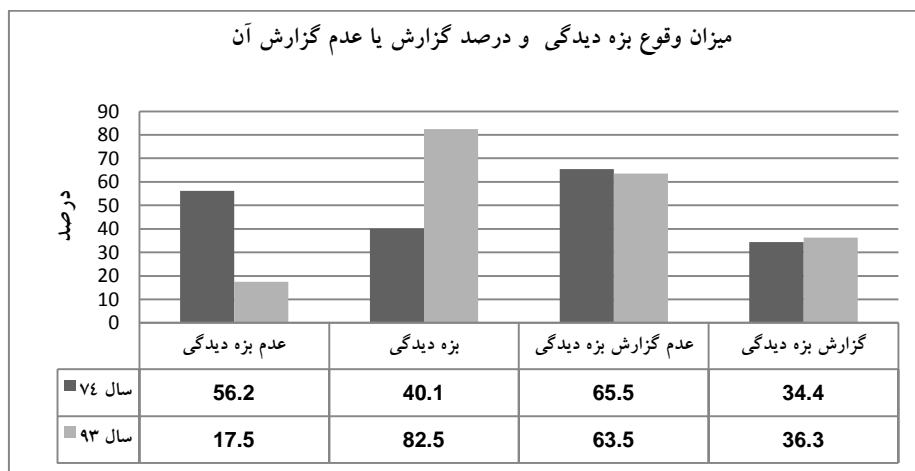
قضاییه، و هر شخص به تناسب مسئولیت، به آمارهای متفاوتی دسترسی دارد. خروجی سامانه سجا که از سامانه سمپ گرفته می‌شود، نقش اساسی در آمار اعلامی توسط قوه قضاییه بازی می‌کند (ذوالقدر، ۱۳۹۱، ص ۱۳۷). نگارنده که شخصاً مدت‌ها با سامانه سمپ کار کرده است، بر این باور است که اطلاعات استخراجی از این سامانه، به‌ویژه درباره «اتهام-خواست» قابلیت استناد بالایی ندارد. شایان توضیح است، پس از تقدیم دادخواست توسط شاکی، این دادخواست در اختیار دبیرخانه قرار می‌گیرد و فرایند کار با سمپ شروع می‌شود. ابتدا ممکن است اصلاً نوع اتهامی که شاکی بر آن تأکید می‌کند و در دادخواست نوشته شده است، مطابق با واقعیت نباشد. برای مثال اتهام واقعی، تحصیل مال نامشروع باشد که در دادخواست، کلاهبرداری یا سرقت عنوان شود. در اینجا ثبات دبیرخانه، پرونده را با موضوع اتهام کلاهبرداری ثبت می‌کند و در پایان رسیدگی نیز اگر به تحصیل مال نامشروع حکم داده شود، عنوان اتهامی تغییری نمی‌کند و پرونده با عنوان اتهامی کلاهبرداری مختومه می‌شود.

در مواردی نیز خطای انسانی رخ می‌دهد و ثبات، اتهام را به اشتباه در سیستم ثبت می‌کند و به همان صورت نیز، پرونده مختومه می‌شود یا درباره نرخ تراکم که نسبت پرونده‌های ورودی به پرونده‌های خروجی است، مشاهده می‌شود که پرونده‌ای با خواسته اعتراض به رأی اداره کار مطرح شده است. در اینجا یک پرونده به آمار کل افزوده می‌شود. پس از مدتی، خواهان دادخواستی برای صدور دستور موقت در همان پرونده تقدیم می‌کند. در اینجا نیز یک پرونده به آمار کل افزوده می‌شود. در حالی که پس از ارجاع به شعب، این دو پرونده با یکدیگر لف (ادغام) می‌شوند و در اصل، یک شکایتند. دادگاه در جهت وظیفه قانونی خود، درباره درخواست دستور موقت، به سرعت تصمیم‌گیری می‌کند. در حالی که ممکن است رسیدگی به خواسته اصلی، ماه‌ها پس از آن انجام گیرد. در این حالت، آمار پرونده‌های ورودی و خروجی دارای ارقام سرسام‌آور شده و باعث این توهم می‌شود که میزان صدور رأی بالاست. در حالی که در واقعی، آمار صدور رأی یک شعبه صد رأی در ماه است، ولی ۷۰ مورد آن دستور موقت، و ۳۰ مورد آن، حکم در ماهیت دعواست.

به گفته رئیس مرکز فناوری اطلاعات قوه قضاییه، نرخ رسیدگی در قوه قضاییه، ۹۷ درصد است. یعنی از هر ۱۰۰ پرونده که در طول شش ماه به قوه قضاییه افزوده می شود، ۹۷ پرونده خارج شده و مختومه می شود. در حالی که این آمار بر واقعیت منطبق نبوده و مدت رسیدگی، بسیار بیش از این زمان است. شاید یکی از دلایل آن، نواقص پیش گفته باشد.

### بزه دیدگی گزارش نشده در ایران؛ چرایی و چگونگی آن

جامعه آماری پژوهش حاضر، شهروندان ۱۸ سال به بالای ساکن در منطقه ده تهران هستند. مساحت منطقه معادل ۸۰۷ هکتار بوده و حدود ۳۴۰ هزار نفر را در خود جای داده است.<sup>۱</sup> آمار دقیقی از تعداد افراد ۱۸ سال به بالا وجود ندارد، ولی با به کارگیری نرخ نسبی اعلامی مرکز آمار، حدود ۶۵ درصد ساکنان هر محل را افراد بالای ۱۸ سال تشکیل می دهند. بر اساس فرمول مورگان، ۲۸۸ نفر باید به عنوان نمونه انتخاب می شد که ۳۰۹ نفر برای تعمیم مطمئن تر یافته ها انتخاب شد.



شکل ۱. نمودار میزان وقوع بزه دیدگی و درصد گزارش یا عدم گزارش آن در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳ در ایران

۱. رجوع کنید به آدرس <http://hamshahrionline.ir/details/80933>

در پژوهش حاضر، از میان ۳۰۹ نفری که به طور تصادفی پرسشنامه را تکمیل کردند، ۲۵۴ نفر یعنی ۸۲/۵ درصد، یا خود به طور مستقیم بزه دیده بودند، یا در جریان مستقیم بزه دیدگی بستگان درجه یک خود بوده‌اند. ۵۵ نفر یا ۱۷/۵ درصد نیز، هیچگاه خود یا بستگان آن‌ها مورد بزه دیدگی قرار نگرفته‌اند. مطمئناً تعمیم نتایج پژوهشی محدود به کل جامعه، امکان‌پذیر نیست. ولی با درصدی تفاوت و خطا، می‌توان متوجه این واقعیت وحشتناک شد که بیش از ۸۰ درصد افراد جامعه، حداقل یکبار در طول زندگی خود، بزه دیده بوده‌اند. این میزان، تقریباً با چیزی که همه ما روزانه شاهد آن هستیم و از دوستان و آشنایان می‌شنویم، همخوانی دارد و بدان معناست که بین بستگان درجه یک همه ما، اگر نگوئیم چند نفر، حداقل یک نفر را می‌شناسیم که مورد بزه‌کاری قرار گرفته است.

به دلیل شباهت‌های جامعه آماری و سنجه‌های تحقیق و مشابهت پرسش‌ها در تحقیق حاضر و تحقیق سال ۱۳۷۴، شاید بتوان این دو تحقیق را از پاره‌ای جهات با یکدیگر مقایسه کرد. در تحقیق نجفی ابرندآبادی و توجهی (۱۳۷۴)، ۵۶/۲ درصد عدم بزه دیدگی و ۴۰/۱۰ درصد بزه دیدگی وجود داشته است. نتیجه اینکه بیش از ۲۵ درصد افزایش بزه دیدگی را در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۷۴ شاهدیم و این آمار با آمار پلیسی، که حاکی از کاهش اقدام به جرم است، ناهماهنگی دارد. در پژوهش سال ۱۳۷۴، ۳۴/۴۱ درصد افراد بزه دیده، بزه دیدگی خود را به مراجع انتظامی و قضایی گزارش کرده و ۶۵/۵۸ درصد، هیچگاه بزه دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند. این آمار در سال ۱۳۹۳، ۳۶/۳ درصد اعلام بزه دیدگی و ۶۳/۳ درصد عدم اعلام بزه دیدگی به مراجع انتظامی و قضایی است. شاید این ارقام در نگاه اول یکسان به نظر آید، ولی باید توجه کرد در سال ۱۳۷۴، ۶۵ درصد از ۴۰ درصد افراد بزه دیده، بزه دیدگی خود را گزارش نکرده‌اند. در حالی که در سال ۱۳۹۳، ۶۳ درصد از ۸۲/۵ درصد افراد بزه دیده، گزارش نکرده‌اند.

جمعیت ایران در سال ۱۳۷۴، حدوداً ۶۰ میلیون نفر بوده است که با ۶۵ درصد عدم گزارش، حدود ۱۵ میلیون نفر، بزه دیدگی خود را به اطلاع مراجع نرسانده‌اند. جمعیت ایران در سال ۱۳۹۳، حدود ۷۷ میلیون نفر است که با ۶۳ درصد عدم گزارش، حدوداً ۴۰ میلیون نفر بزه دیدگی خود را



گزارش نکرده‌اند. بنابراین، اگرچه در نگاه اول، درصد عدم گزارش بزه‌دیدگی در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است، با محاسبه آمار جمعیت این سال‌ها، عدم گزارش بزه‌دیدگی در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۷۴، افزایش بیش از دوبرابری داشته است.

این آمار شاید سکوت خبری را که در زمینه آمار جرم‌شناسانه در ایران هست، روشن کند. یا مراجع انتظامی و قضایی اصلاً آماری از این دست را در اختیار ندارند، که مطمئناً جای بسی شگفتی است و باید به آنان هشدار داد که عملاً اقدامات مبارزه با بزهکاری آنان با شکست مواجه شده است، یا این آمار را حتی در مقیاس کشوری، در اختیار دارند و به همان دلیل قدیمی عدم اشاعه ترس و تنش روانی در جامعه استناد کرده و آن را افشا نمی‌کنند. در حالی که دیدگاه‌های جدید، بر طراحی استراتژی‌های مؤثر، با توجه به واقعیت‌های جامعه و طراحی راهبردهای متفاوت در هر زمان تأکید می‌کند. در این زمینه، جدول «ترس از جرائم» برای اولین بار در انگلستان طراحی شد. این جدول بر «میزان واقعی جرائم» و «میزان ترس از جرائم» استوار است و چهار حالت دارد. حالت **مطلوب** آن است که میزان واقعی جرائم و ترس از جرائم، هر دو، پایین است. حالت «هیئت مؤسس برای ترس از جرم» حالتی است که میزان واقعی جرائم پایین است، ولی ترس از جرم بالاست. در این حالت دولت‌ها تلاش می‌کنند ترس از جرم را کم کنند و مردم را به روند عادی زندگی برگردانند. در حالت سوم که «برنامه‌های کاهش جرم» نامیده می‌شود، میزان واقعی جرم و ترس از جرم بالاست. ترس از جرم در این حالت طبیعی است و دولت و پلیس نباید میزان این ترس را کاهش دهند. بلکه باید تلاش خود را بر کاهش جرائم قرار دهند و طبعاً و تبعاً، این اتفاق باعث کم شدن میزان ترس از جرم نیز خواهد شد. حالت چهارم یا «منطقه اطلاع‌رسانی» به حالتی گفته می‌شود که آمار جرائم بالاست، ولی ترس از جرم کم است. این دیدگاه پیشنهاد می‌کند پلیس یا دولت، با افزایش اطلاع‌رسانی، ترس از جرم را افزایش دهند و این کار، برای بالابردن احتیاط و جلوگیری از بزه‌دیدگی، ضروری است (کوردنر<sup>۱</sup>، ۱۳۹۲).

حتی اگر آمار رسمی را هم نادیده بگیریم، تحقیق حاضر و روندی که در جامعه مشاهده می‌شود، هر دو، نشان می‌دهند دیگر دیدگاه عدم افشای اطلاعات جنایی برای حفظ آرامش جامعه، کارایی ندارد و نیاز به «منطقه اطلاع‌رسانی» یا «برنامه‌های کاهش جرم»، حداقل در این برهه از زمان، حس می‌شود.

### میزان تغییر جرائم واقع شده بر بزه‌دیدگان در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳

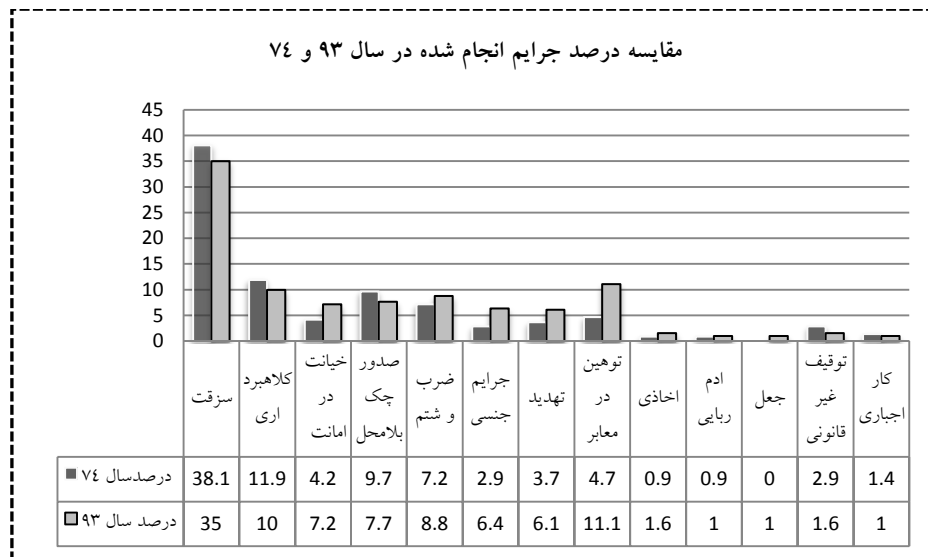
درباره افزایش یا کاهش میزان جرائم منجر به بزه‌دیدگی، در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳ به نتایج جالبی می‌رسیم. همان‌طور که جدول ۲ نشان می‌دهد، چند جرم افزایش ارتکاب داشته است که با روندی که اکنون در جامعه شاهدیم، همخوانی دارد. جرم سرقت در هر دو بازه زمانی، بیشترین ارتکاب را به خود اختصاص داده و در سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۷۴ رشد ۲۵ درصدی داشته است. سرقت به تنهایی یک‌سوم میزان جرائم را شامل می‌شود که یا ناشی از سهولت انجام‌دادن آن است یا همان‌طور که بعداً خواهیم گفت، درصد کم گزارش آن به مراجع قضایی، ناشی از بازدارنده نبودن قانون برای آن است (فرجیها، ۱۳۸۵، ص ۸۷). به همین دلیل، باید محققان جرم‌شناس، بر جنبه‌های افزایش و سهم عمده این جرم، تفقه بیشتری کنند.

جرم دیگری که در سال‌های اخیر بحث داغ صفحه حوادث شده است، جرائم جنسی است که با تأسف بسیار زیاد، سال ۱۳۹۳ نسبت به سال ۱۳۷۴ رشد حدود دوبرابری را شاهد است. به نظر می‌رسد دلیل این افزایش، فاصله گرفتن جامعه از هنجارهای پذیرفته شده دهه هفتاد، رشد فرهنگ برابری زن و مرد در مفهوم غربی آن، تنزل سطح حجاب عمومی و بازدارندگی آن، از بین رفتن زشتی عمل جنسی و بازتعریف نسل جدید از مسئله عفاف است.

توهین در معابر نیز افزایش حدود ۲/۵ برابری داشته و دلیل آن هم کاملاً مشخص است، اکثر قربانیان این جرم، خانم‌های جوانند که معمولاً این عمل را دارای بار کیفری ندانسته یا در عمل، شکایت از توهین را بیهوده می‌دانند. البته در واقعیت هم این جرم با آنکه آثار عمیقی بر روح بزه‌دیده باقی می‌گذارد، قابل پیگیری نیست. زیرا، نه تنها اکثر متهمان غیرقابل شناسایی و احضارند، حتی در صورت شناسایی شدن، در نهایت، مجازات این عمل، جزای نقدی اندکی در حق دولت

است. قربانیان سه جرم اخیر، بیشتر مؤنثند. این امر نشان‌دهنده تأثیر شدید جنسیت بر میزان بزه‌دیدگی افراد است (فرجیها، ۱۳۹۲، ص ۱۱۸).

در زمینه کاهش یا افزایش جرائمی که توسط نیروی انتظامی اعلام می‌شود، در هیچ جا آمار رسمی و مدونی یافت نشد. در این صورت، مطمئناً با درصدی از خطا می‌توان راستی‌آزمایی کرد که آیا واقعاً به نسبت رشد جمعیت و رشد عوامل جرم‌زا، جرائم کاهش یافته است یا افزایش.

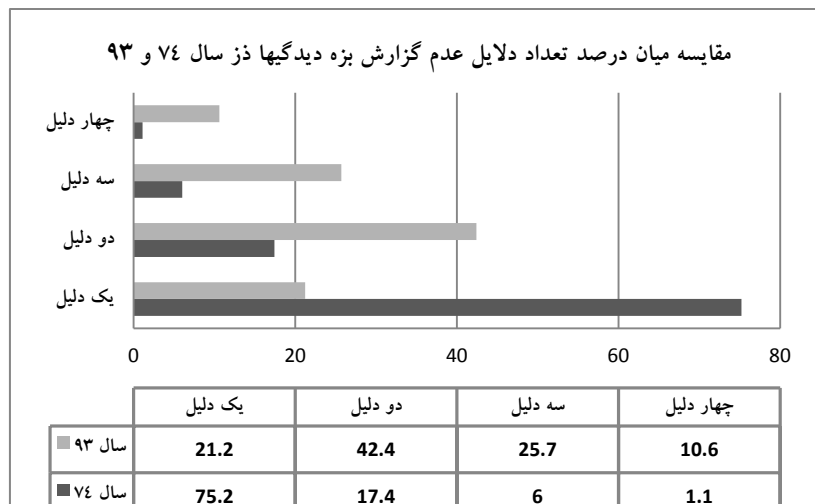


شکل ۲. نمودار مقایسه نسبت جرائم واقع شده در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳

### دلایل گزارش نکردن بزه‌دیدگی

بزه‌دیدگانی که در این تحقیق شرکت کردند، در جواب به این پرسش که چرا بزه‌دیدگی خود را به مراجع رسمی گزارش نکرده‌اند، بعضاً یک، دو، سه یا چهار دلیل بیان کرده‌اند. این تغییر دامنۀ دلایل مورد نیاز برای گزارش نکردن بزه، شاید نشان‌دهنده افزایش مطالبات مردمی، آشنایی آنان با حقوق خود و افزایش انتظارات آنان از خودشان باشد. شاید هم نشان‌دهنده کم شدن ارزش دلایل، در سیستم محاسبه سود و زیان است.

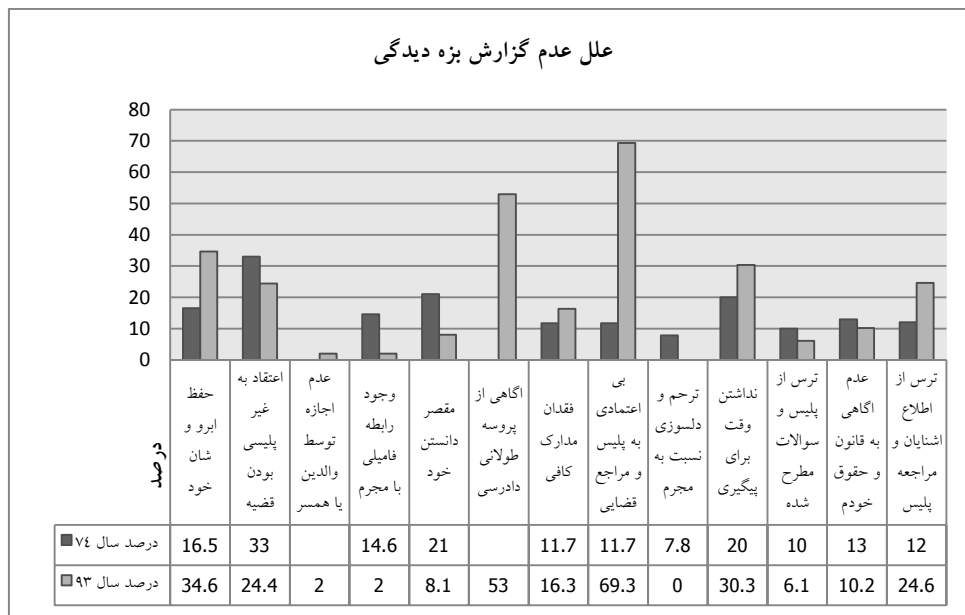
در سال ۱۳۷۴، اکثر افراد جامعه، فقط به یک دلیل برای گزارش نکردن بزه ارتكابی توسط مجرم اکتفا می‌کردند. شاید هم بتوان گفت دلایل این افراد چنان قوی بوده است که فقط با داشتن یک دلیل، از تعقیب مجرم صرف‌نظر می‌کردند. ولی در سال ۱۳۹۳ افراد برای ترک تعقیب، به دلایل و توجیه‌های بیشتری نیاز داشته‌اند. در سال ۱۳۹۳ اکثر افراد حاضر نیستند مثلاً فقط به دلیل حفظ شخصیت خود یا فقط به دلیل کمبود وقت، از تعقیب دعوا صرف‌نظر کنند. شاید بتوان گفت افراد در سال ۱۳۷۴ بسیار آسان‌گیر و راحت‌طلب‌تر بوده‌اند و با داشتن تنها یک دلیل، خود را به ترک مخاصمه راضی می‌کردند. در حالی که سخت‌شدن روند زندگی اجتماعی در سال ۱۳۹۳، افزایش سطح توقع افراد از خود، آشنایی آنان با حقوق خود، و شاید انتظار از دیگران، که همگی سعی در ساختن جامعه‌ای بهتر داشته باشند، آنان را به افرادی مبدل کرده است که به بهانه‌های بیشتری برای گذشتن از حقیقت‌ها نیازمندند. اگر این چنین است، پس چرا آمار ما حاکی از افزایش گزارش‌دهی جرائم به مراجع قضایی و انتظامی نیست؟ آیا می‌توان گفت انسان سال ۱۳۹۳ فقط با افزایش دلایل، سعی می‌کند سهم خود را در گزارش نکردن جرم کم‌رنگ کرده و با افکندن بهانه گزارش نکردن بر گردن دلایل بیشتر، سهم عذاب وجدان خود را در ناتوانی از احقاق حقیقت، کم کند؟



شکل ۳. نمودار مقایسه‌ی تعداد دلایل گزارش نکردن بزه دیدگی‌ها در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳

### علل گزارش نکردن جرم

مهم ترین دلیل مراجعه نکردن بزه دیدگان به سیستم قضایی و انتظامی، بی اعتمادی به این مراجع است. آمار نزدیک به ۷۰ درصد، پلیس ایران را با چالشی جدی مواجه می کند. مطمئناً همه افراد تا به حال، دست کم یک خاطره ناخوشایند از پلیس را درباره خود یا نزدیکانشان به یاد دارند. این بی اعتمادی درباره مراجع قضایی کمتر دیده می شود، زیرا اکثر مصاحبه شونده‌گان رفتارهای نامناسب و خلاف شأن پلیس را عامل بازدارنده برای خود می دانستند. از کسانی که به این گزینه رأی داده اند، پرسیده شده است، اگر دلیل گزارش نکردن جرم، بی اعتمادی به مراجع قضایی و پلیس است، آیا فکر می کنند پلیس یا مرجع قضایی نمی تواند کاری برای مقابله با جرائم انجام دهد، یا نمی خواهد کاری انجام دهد؟

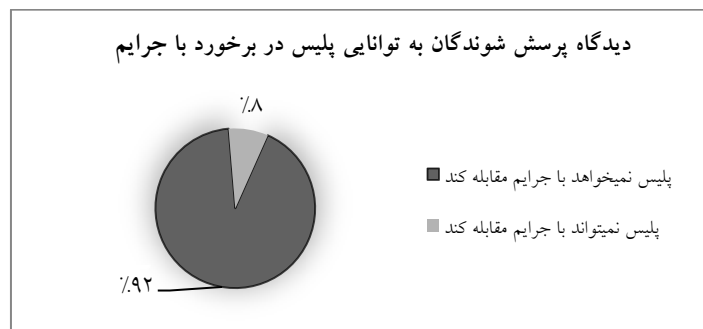


شکل ۴. نمودار مقایسه علل گزارش نکردن بزه دیدگی در سال‌های ۱۳۷۴ و ۱۳۹۳ (جمع دلایل ابراز شده: ۱۳۸ دلیل)

نکته: حاصل جمع بیش از صد در صد، به دلیل انتخاب دو یا چند دلیل توسط پاسخ دهندگان است.

آمار تکان دهنده است. بیش از ۹۲ درصد مردم فکر می کنند پلیس نمی خواهد کاری انجام دهد

و کمتر از ۸ درصد معتقدند پلیس نمی‌تواند کاری انجام دهد، یعنی درصد بالایی از جامعه آماری، پلیس را دارای ظرفیت و توان لازم برای مبارزه با جرائم می‌دانند، ولی معتقدند پلیس از این توان به هر دلیلی، استفاده مناسب نمی‌کند، و کمتر از ده درصد افراد، پلیس را فاقد این توان، و مجرمان را در سطح بالاتری از پلیس می‌بینند.



شکل ۵. نمودار دیدگاه پاسخ‌دهندگان به توانایی پلیس در برخورد با جرائم

سیستم قضایی نیز به نسبتی کمتر، ولی مقصر است. در پرسشنامه از پاسخ‌گویانی که شکایت خود را مطرح کرده‌اند، پرسیده شد که نتیجه حاصله چه بوده است؟ و باز هم شگفتا که همه بدون استثنا، آن را بی‌نتیجه دانسته و از تلف شدن وقت خود شکایت داشتند. آگاهی مردم از اطلاع دادرسی و پرهیز از ورود به آن بیش از پنجاه درصد از سهم دلایل را به خود اختصاص داده است. متأسفانه در تحقیق سال ۱۳۷۴، درباره اطلاع دادرسی از مردم نظرخواهی نشده است، بنابراین، نمی‌توان مقایسه‌ای انجام داد. به دلیل آشنایی مردم با حقوق خود و شناخت جرائم، اعتقاد به غیرپلیسی بودن جرائم کم شده است و تقریباً اکثر پاسخ‌گویان به خوبی می‌توانستند جرائم را تفکیک کنند. کمبود وقت برای پیگیری مورد، با افزایشی ۵۰ درصدی نسبت به سال ۱۳۷۴، به ۳۰ درصد از پاسخ‌ها رسیده است که با ماشینی شدن زندگی امروزه، همخوانی دارد. نکته جالب آن است که دو امر به موازات هم اتفاق افتاده است. مردم به نسبت، کمتر خود را مقصر می‌دانند و به همان نسبت، کمتر نسبت به مجرم دلسوزی می‌کنند، که این نیز احتمالاً از ثمرات شهرنشینی مدرن و فاصله گرفتن از دلسوزی‌های بیهوده است. شاید در سال ۷۴ مردم مجرم را به دلیل شرایط

خانوادگی، اعتیاد، فقر و جز آن مستحق مجازات نمی‌دیدند، ولی در سال ۱۳۹۳ و به موازات گسترش فرهنگ شهرنشینی، مردم از یکدیگر انتظار دارند در هر شرایطی اصول اولیه انسانی را رعایت کنند و کسی که این اصول را حتی به اجبار روزگار بشکند، مستحق مجازات است. همان‌طور که داشتن رابطه فامیلی با مجرم، دلیل موجهی برای ترک تعقیب در این زمانه نیست. از افرادی که قبلاً یکی از جرائم واقع شده درباره خود را گزارش کرده بودند، پرسیده شد که با توجه به آنچه در روند رسیدگی مشاهده کرده‌اید، آیا اگر ابتدا از مراحل دادرسی خبر داشتید، باز هم شکایت می‌کردید؟ ۶۵٫۷ درصد بیان کردند اگر از ابتدا به مراحل دادرسی اشراف داشتند، ترجیح می‌دادند اصلاً وارد این فرایند نشوند. ۳۴٫۲ درصد نیز همچنان با همه سختی، به طی همین مسیر حاضر بودند، زیرا راه دیگری برای احقاق حق سراغ نداشتند. این مسئله‌ای تجربه شده است که آمار نیز آن را تأیید کرد. مشکلات سیستم قضایی چنان درهم‌تنیده است، که کسی را معمولاً پس از یک‌بار گذشتن از آن، یارای امتحان مجددش نیست. از افرادی که تا به حال جرائم انجام گرفته را گزارش نکرده‌اند، پرسش شد که اگر در آینده بزه‌دیده جرمی واقع شوند، آیا آن را گزارش خواهند کرد؟ ۶۱٫۵ درصد جواب مثبت دادند و اکثراً بیان کردند تنها راه احقاق حقی که می‌شناسند، ورود به سیستم دادرسی قضایی است و حداقل سعی خواهند کرد به حق خود برسند. ۲۸٫۲ نیز همچنان حاضر به طرح شکایت یا گزارش جرم به مراجع قانونی نیستند. حدود ۹ درصد نیز بیان کردند این امر به شدت و ماهیت جرمی که در آینده اتفاق می‌افتد، بستگی دارد.

### ترس از جرم

تحقیق درباره ترس از جرم تا اوایل قرن بیستم بی‌اهمیت تلقی می‌شد. ولی از سال ۱۹۸۰، طرفداران جنبش واقع‌گرای چپ و فمینیسم‌ها در انگلستان، پیمایش‌هایی را در این زمینه آغاز کردند و باعث شدند هم اکنون بسیاری از کشورها، سالانه، نظرسنجی ملی سنجش ترس از جرم را برگزار کنند (نیکوکار، ۱۳۹۲، ص ۴۴۲).

در پایان، پاسخگویان در مقابل این پرسش که بدترین و ترسناکترین جرمی که آرزو می‌کنند

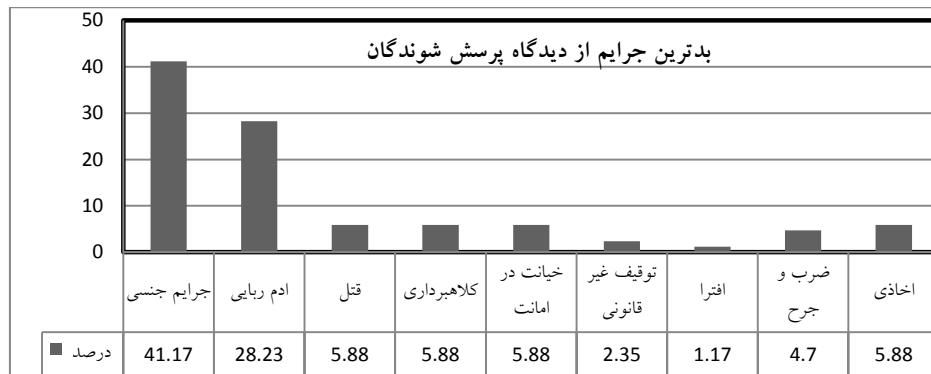
هیچگاه درباره آنان اتفاق نیفتد، چیست؟ ۴۱/۱۷ درصد جرائم جنسی و ۲۸/۲۳ درصد آدم‌ربایی را انتخاب کردند. این آمار با سبک جامعه سنتی ما درباره زشتی جرائم جنسی، همخوانی دارد. از بین افرادی که این گزینه را انتخاب کرده‌اند، ۳۷ درصد مرد و ۶۳ درصد زن بوده‌اند. دلیل ترس شدید زنان از این جرم، احساس ناتوانی در محافظت از خود و آسیب‌پذیری جسمی آنان (رایجیان اصلی، ۱۳۸۹، ص ۲۱۲) و نیز برچسب‌هایی است که پس از حادث شدن این جرم بر بزه‌دیده اعمال می‌شود و عملاً توان زندگی عادی را از او می‌گیرد. در مقابل، مردان، به دلیل فیزیک و قدرت بدنی، ترس بسیار کمتری از این جرم دارند. ترس از آدم‌ربایی، و بالاتر قرار گرفتن آن از قتل و ضرب و جرح، بیش از آنکه نمود عینی برای پاسخگویان داشته باشد، ناشی از ارزش خبری ویژه این جرائم و بزرگنمایی آن توسط رسانه‌هاست. زیرا آدم‌ربایی، جرمی نیست که افراد آن را به‌طور مستمر و ملموس در اطراف خود درک کرده باشند. همچنین، نباید از نقش شبکه‌های اجتماعی در فراگیری ترس از جرم غافل شد. دولت و رسانه‌های جمعی، پیرو سیاست چند دهه اخیر، سعی در گزارش نکردن جرائم به‌طور وسیع داشته‌اند. ولی به‌کارگیری اینترنت و همه‌گیر شدن تلفن‌های همراه دوربین‌دار، به همه افراد امکان داده است تا جرائم اطراف خود را به‌طور مستند با دیگران به اشتراک گذارند و همان‌طور که شاهدیم، به راحتی فیلم و عکس جنایات در شبکه‌های اجتماعی نمایش داده می‌شود. در نمودار ترس از جرم دیدیم که گاهی افزایش ترس از جرم، توسط دولت‌ها ایجاد شده و باعث افزایش احتیاط و کاهش جرم می‌شود. در حالی که نمی‌توان کارکرد شبکه‌های اجتماعی را در این زمینه نادیده گرفت و باید در این میان، بین ترس از جرم و نگرانی از جرم تمایز قایل شد. برای مثال ممکن است کسی از سرقت نترسد، ولی در این زمینه نگرانی داشته باشد و منزلش را به وسایل ایمنی و دوربین مجهز کند.

انتشار آمار یا گزارش جرائم توسط رسانه‌ها و دولت، بیش از آنکه باعث افزایش ترس شود، موجب افزایش نگرانی و احتیاط است. در حالی که دیدن صحنه‌های قتل و خشونت در شبکه‌های اجتماعی، نه فقط باعث خشونت، که باعث ترس در جامعه می‌شود. دلیل آن هم تأثیر مضاعف پدیده بصری بر پدیده شنیداری است. شنیدن و خواندن آمار سرقت، فقط باعث افزایش نگرانی و



احتیاط بیشتر در حفظ اموال می‌شود. ولی دیدن صحنه سرقت توأم با خشونت، باعث ترس از این عمل و همزادپنداری با بزه‌دیده می‌شود و عملاً فرد را در موضع ضعف قرار می‌دهد. از طرفی، ارتباط در شبکه‌های اجتماعی و پیوستگی افراد، می‌تواند عامل کاهنده جرم باشد. به همین دلیل، نیاز به تحقیق در این حوزه، و تعیین منافع یا مضرات آن بیشتر حس می‌شود.

تحقیقات خارجی<sup>۱</sup> در زمینه ترس از جرم، همگی مؤید این مطلب است که ترس از جرائم علیه اموال، اغلب بیش از جرائم علیه اشخاص بوده و علت آن بیشتر بودن وقوع جرائم علیه اموال، نسبت به جرائم علیه اشخاص است (کوردنر، ۱۳۹۲، ص ۱۴). در حالی که مطابق با یافته این تحقیق، حدود ۸۰ درصد نگرانی مردم، به دلیل ترس از جرائم علیه نفس آن‌هاست، نه جرائم علیه اموال آنان. شاید یکی از دلایل آن، نبود «صنعت ترس از جرم» به معنای غربی آن در کشور ایران است. این صنعت سالانه درآمدهای میلیاردی دارد و سازندگان دزدگیر، آژیر، بیمه، سلاح و جز آن سعی می‌کنند عمداً خطر بزه‌دیدگی را به منظور فروش محصولات خود بزرگنمایی کنند. بیشترین تمرکز آنان نیز بر جرائم علیه اموال است (ولد<sup>۲</sup> و همکاران، ۱۳۹۰، ص ۱۹۷).



شکل ۵. نمودار ترسناک‌ترین جرائم از نظر پاسخگویان

۱. رجوع کنید به

Mawby, R.I. (1986). Fear of crime and concern over the crime problem among the elderly. *Journal of Community Psychology*, 24(13), 14-46.

2. Vold

### نتیجه

با توجه به یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر برای کم کردن فاصله آمار واقعی و ظاهری، و نیز کشف جرائم از لحاظ آماری، به‌طور فهرست‌وار پیشنهاد می‌شود:

- آموزش کارمندان مرتبط با سیستم ثبت جرائم. مهم‌ترین مرحله در تنظیم آمار جنایی، همان‌طور که قبلاً شرح داده شد، مرحله ثبت جرائم است. اگر این مرحله حساس، اشکال‌های اساسی داشته باشد، تکیه بر آمار صادره از این سیستم، نه فقط باعث حصول هدف غایی که همانا پیشگیری از جرم در آینده است، نمی‌شود، بلکه باعث سیاست‌گذاری اشتباه و چه‌بسا کارکرد معکوس سازمان‌های دخیل در این امر خواهد شد. مهم‌ترین پیش‌نیاز آمار صحیح، توانمندسازی و آموزش افراد پلیس در شناسایی عناصر سه‌گانه جرم و ثبت صحیح آن و نیز توانمندسازی کارکنان اداری، به‌ویژه دبیرخانه‌های قضایی برای ثبت درست و صحیح عناوین مجرمانه است.
- جلوگیری از اطاله دادرسی و کوتاه کردن فرایند رسیدگی در حد امکان، یا طراحی فرایندی که کمترین زمان از بزه‌دیده در رسیدگی‌ها تلف شود.
- ایجاد مراکز مشاوره و معاضدت قضایی در پارک‌ها، سرای محلات و جز آن. شایان ذکر است در حال حاضر اکثر بخش‌های قضایی، واحد ارشاد و معاضدت دارند. ولی گاهی مشاهده می‌شود افرادی فاقد معلومات حقوقی در این واحدها به‌کار گرفته می‌شود که باعث سردرگمی و بدبینی مراجعان به این واحدها می‌شود. کمبود کارکنان و کثرت ارباب‌رجوع نیز از دیگر مشکلات رایج این مراکز است.
- ایجاد فرهنگ گزارش‌دهی توسط بزه‌دیده. در تحقیق حاضر مشاهده شد که بزه‌دیدگان به دلایلی مانند حفظ آبرو یا جلوگیری از اتلاف وقت، حاضر به گزارش‌دهی نیستند. این امر درباره جرائم منافی عفت، نمود بیشتری دارد. از طرفی، فرهنگ‌سازی درباره برچسب‌زدن به بزه‌دیده نیز باید در فهرست کار قرار گیرد، زیرا نوعاً مشاهده می‌شود مردم، بزه‌دیده را نیز شماتت می‌کنند و او را بی‌دلیل، مقصر وقوع جرم می‌دانند.

- فرهنگ‌سازی در زمینه به‌کارگیری وکیل بین مردم و نیز افزایش ظرفیت اعطای پروانه وکالت (آرام، ۱۳۹۰، ص ۷۷). در کشور چین، دانشجویان حقوق پس از فارغ‌التحصیلی، بر اساس نمره‌ها و نظر استادان رتبه‌بندی می‌شوند و هر دانشجو می‌تواند درباره مسئله خاص و تا سقف مالی تعریف‌شده، به مردم مشاوره دهد. این کار علاوه بر اینکه درآمدی را برای افراد تازه‌فارغ‌التحصیل به‌دست می‌دهد، به‌دلیل هزینه‌اندک، باعث می‌شود همه مردم به این افراد دسترسی داشته باشند و به‌راحتی اطلاعات حقوقی آنان را به‌کار گیرند.
- افزایش انگیزه پلیس در کشف و تعقیب جرائم. در مواردی مشاهده می‌شود پلیس به‌دلیل آنکه مجازات کافی یا مؤثری برای جرمی وجود ندارد، رسیدگی به آن را در ذیل جدول اولویت‌های خود قرار می‌دهد. زیرا با سختی و کوشش بسیار، مجرمی دستگیر ولی گاه با برخورد ساده‌ای توسط نظام قضایی آزاد می‌شود. این امر، انگیزه پلیس را در برخورد با چنین جرائمی از بین می‌برد. سرقت وسایل اتومبیل، سرقت‌های کوچک و شرکت در میهمانی‌های غیرمجاز شبانه، از این دست‌اند (بتولی، ۱۳۹۱، ص ۱۴).
- افزایش فرهنگ حقوقی شهروندان. همان‌طور که بیان شد، بسیاری از افراد جامعه، به‌دلیل اینکه امری را فاقد عنوان مجرمانه می‌پندارند، آن را به مراجع قضایی یا انتظامی گزارش نمی‌کنند. بنابراین، باید در نهادینه‌سازی فرهنگ گزارش‌دهی جرائم و تأکید بر آن به‌عنوان وظیفه‌ای ملی (برای حفظ امنیت جامعه) و شرعی (برای احقاق حق و کمک به مظلوم) سعی شود.
- تقویت نیروهای نامحسوس پلیس و نیز پلیس افتخاری و پلیس محلات.
- افزایش پایگاه‌های سیار پلیس به‌ویژه در مناطق حاشیه‌ای و جرم‌خیز.
- اعتمادسازی و بهبود وجهه پلیس و سیستم قضایی نزد مردم، به‌ویژه تأکید بر حفظ کرامت اشخاص به همراه ضمانت اجرای واقعی و نه فقط بخشنامه‌ای.
- حمایت کامل از بزه‌دیده در مواجهه با بزه‌کار و حفظ امنیت و رفع دغدغه‌های وی.
- توانمندسازی پلیس در به‌کارگیری فناوری‌های جدید کشف جرم.

- آموزش بدو خدمت و ضمن خدمت دادیاران قضایی در بازجویی از متهم و تحقیق از بزه‌دیدگان. تاکنون تحقیق از بزه‌دیده در هیچ پرونده قضایی سابقه نداشته است. در پرونده‌های مهم که گاهاً صدها صفحه اطلاعات دارند، حتی یک سطر نیز درباره بزه‌دیده نمی‌توان یافت (اجاللی، ۱۳۸۳، ص ۳۹). به همین دلیل جامعه‌شناسان جنایی و محققان، به مراجعه به بزه‌دیدگان ناچار می‌شوند، در حالی که به راحتی می‌توان ضمن تحقیقات مقدماتی، نکته‌های مهم و کاربردی مورد نیاز محققان را توسط دادیاران محترم اخذ و راه را برای تحقیقات حقوقی محققان هموار کرد.
- تغییر در قوانین و تعیین مجازات شدیدتر برای جرائمی مانند توهین، که عملاً بازدارندگی کافی برای بزه‌کار، و تشویق و پشتگرمی کافی برای بزه‌دیده ندارند.
- بررسی آماری و علمی میزان واقعی جرائم و میزان ترس از جرائم و تعیین نقشه راه بر اساس واقعیت‌های جامعه و تعریف دیدگاهی بومی درباره ترس از جرم و اطلاع‌رسانی‌های مورد نیاز جامعه.
- بیشترین نگرانی و ترس زنان از جرائم جنسی و بیشترین نگرانی مردان، از جرائم علیه اموال است. امید است پلیس فقط بر کاستن آمار جرائم و شکایات متمرکز نشود و به پدیده ترس از جرم توجه بیشتری کند.
- تحقیق جامعه‌شناختی و جرم‌شناسانه درباره شبکه‌های اجتماعی و جلوگیری از اشاعه بزه‌دیدگی غیرمستقیم افراد.
- آموزش به خانواده‌ها برای اشراف بر مسائل شبکه‌های اجتماعی و اینترنت.
- دوری رسانه‌ها از ارزش خبری جرائم جنایی برای بالابردن تیراژ خود.

## منابع و مأخذ

۱. اجلالی، پرویز (۱۳۸۳). نگاهی به آمار جرائم در ایران. نشریه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳۱۴، صفحات ۴۵-۱۸.
۲. آرام، احمد (۱۳۹۰). ارزیابی نظام آمار جنایی پلیسی و قضایی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد مشهد.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۸۳). گزارش کارگاه تخصصی آمار جنایی و پیشگیری از وقوع جرم (سخنرانی). شورای عالی توسعه قضایی، اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۳.
۴. آملی لاریجانی، صادق (۱۳۹۱). چکیده مجموعه مقالات اولین همایش ملی آمار جنایی. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
۵. جوان‌جعفری، عبدالرضا و سیدزاده ثانی، مهدی (۱۳۹۱). رهنمودهای عملی پیشگیری از جرم. تهران: نشر میزان.
۶. دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا (۱۳۸۸). چکیده سخنرانی‌های نخستین همایش ملی پیشگیری از جرم. چاپ اول، تهران: چاپخانه معاونت آموزش ناجا.
۷. ذوالقدر، محمدباقر (۱۳۹۱ الف). چکیده مجموعه مقالات اولین همایش ملی آمار جنایی. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
۸. ذوالقدر، محمدباقر (۱۳۹۱ ب). رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم. جلد اول، تهران: معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه با همکاری نشر مجد.
۹. ذوالقدر، محمدباقر؛ جلالی فراهانی، امیرحسین (۱۳۹۲). از آمار جنایی تا اطلس جنایی. مجله آموزشی داخلی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضاییه، دوره ۳، صفحات ۵۶-۲۱.
۱۰. رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۹). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.

۱۱. رحمدل، منصور (۱۳۸۳). آمار جنایی و کارکردهای آن. *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۴۷ پاییز و زمستان ۱۳۸۳، صفحات ۱۰۸-۱۳۲.
۱۲. ژرار، لوپر و فیلیزولا، ژینا (۱۳۹۲). *بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی*. ترجمه روح‌الله کرد علیوند و احمد محمدی، چاپ دوم، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.
۱۳. السی، ساناز و حسن‌پور، معصومه (۱۳۸۵). *بزه‌دیده‌شناسی و پیشگیری از بزه‌دیدگی*. ماهنامه فرهنگی حقوقی و اجتماعی *ددرس*، شماره ۵۶، خردادماه و تیرماه ۱۳۸۵، صفحات ۳۸-۲۵.
۱۴. شهریاری، حمید (۱۳۹۱). *چکیده مجموعه مقالات اولین همایش ملی آمار جنایی*. تهران: انتشارات قوه قضاییه.
۱۵. فرجیها، محمد (۱۳۸۳). *پیشگیری از جرم در حقوق کیفری ایران*. (میزگرد اساتید حقوق در دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکز) بهار ۱۳۸۳.
۱۶. فرجیها، محمد و همت‌پور، بهاره (۱۳۹۲). تحلیل نحوه بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در روزنامه‌ها. *مجله جهانی رسانه*، دوره ۸، شماره ۱، صفحات ۲۰-۱.
۱۷. کوردنر، گری (۱۳۹۲). *کاهش ترس از جرم و راهبردهایی برای پلیس*. ترجمه اسماعیل حسن‌وند و احسان حسن‌وند، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۱۸. کی‌نیا، مهدی (۱۳۸۶). *مبانی جرم‌شناسی*. جلد دوم، چاپ دهم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه (۱۳۹۱). *راهنمای کارگاه علمی-کاربردی مدیریت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی*. تهران: نشر میزان.
۲۰. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۸۸). *تقریرات درس جرم‌شناسی دوره کارشناسی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی*. تدوین محمدکاظم تقریر، نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۳-۸۲.
۲۱. نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین (۱۳۹۱). *مختصر جرم‌شناسی (خلاصه مباحث جرم‌شناسی)*. تدوین مجتبی جعفری، دماوند، فروردین ماه ۱۳۸۷.
۲۲. نیکوکار، حمید (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان ترس از جرم و گرایش به سزاگرایی در میان

- دانشجویان. چاپ شده در کتاب *رهیافت‌های نوین پیشگیری از جرم*، جلد سوم، تهران: معاونت اجتماعی و پیشگیری از جرم قوه قضاییه با همکاری نشر مجد.
۲۳. وایت، راب و هینز، فیونا (۱۳۸۹). *جرم و جرم‌شناسی*. ترجمه علی سلیمی، قم: چاپ زیتون.
۲۴. ولد، جرج، برنالد، توماس و اسنیپس، جفری (۱۳۹۰). *جرم‌شناسی نظری*. ترجمه علی شجاعی، چاپ اول، تهران: سمت.
۲۵. ویلیامز، کترین (۱۳۸۲). تأملی بر بزه‌دیدگی و انواع آن. ترجمه علی صفاری، *مجله تحقیقات حقوقی*، شماره ۳۸، صفحات ۳۰۲-۲۵۹.